



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ اسفند ۸۹

مصادف با: ۲ ربیع الثانی ۱۴۳۲

جلسه: ۲۲

موضوع کلی: کتاب من لایحضره الفقیه

موضوع جزئی: خصوصیات کتاب من لایحضره الفقیه

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

شرح حال مرحوم شیخ صدوق و بعضی از بخش‌های مهم شخصیت ایشان بحثی بود که در جلسه گذشته به آن پرداختیم، همچنین به مشایخ و شاگردان و کتبی که مرحوم شیخ صدوق تألیف نموده اشاره کردیم و در پایان هم راجع به کتاب من لایحضره الفقیه و انگیزه‌ی شیخ صدوق از تدوین و نگارش این کتاب اشاره‌ای داشتیم، قبل از اینکه به اصل بحث یعنی اعتبار کتاب من لایحضره الفقیه بپردازیم همان‌طور که درباره‌ی کتاب کافی گذشت به بعضی از ویژگی‌های کتاب من لایحضره الفقیه اعم از ویژگی‌های متن و ویژگی‌های سندی اشاره می‌کنیم.

خصوصیات متنی من لایحضره الفقیه:

خصوصیت اول:

اولین خصوصیت کتاب من لایحضره الفقیه توجه به علل احکام می‌باشد یعنی بعضی از روایاتی که مبین علل احکام و شرایع می‌باشد در کتاب من لایحضره الفقیه ذکر شده، شیخ صدوق در دو کتاب مستقلاً به این بحث پرداخته که عبارتند از: علل الشرایع و عیون اخبار الرضا که در این دو کتاب به طور مبسوط به علل احکام اشاره کرده‌اند اما در من لایحضره الفقیه بعضاً روایاتی که دال بر علت احکام یا حکمت احکام است ذکر شده که برای مثال به یک مورد اشاره می‌کنیم؛ راجع به علت نهی از سجود بر مأكولات و ملبوسات روایتی در من لایحضره الفقیه آمده که می‌فرماید: «...لان السجود خضوعاً لله عز و جل فلا ینبغی ان یکون علی ما یؤکل او یلبس لان ابناء الدنیا عبید ما یأکلون و یلبسون و الساجد فی سجوده فی عبادت الله عز و جل فلا ینبغی ان یضع جبهته فی سجوده علی معبود ابناء الدنیا الذی اغتروا بغرورها و السجود علی الارض افضل لانه ابلغ فی التواضع و الخضوع لله عز و جل»^۱ سجود، خضوع در برابر خداوند عز و جل است پس بر مأكولات و ملبوسات سزاوار نیست برای اینکه اهل دنیا بنده‌ی خوراک و پوشاک هستند و بخش عمده‌ی مشکلات بشر به تأمین خوراک و پوشاک برمی‌گردد لذا سزاوار نیست کسی که در برابر خدا خضوع می‌کند در سجده پیشانی خود را بر چیزی قرار بدهد که معبود اهل دنیا است و باعث فریب اهل دنیا می‌شود لذا سجده‌ای که باید به عنوان خضوع در برابر خدا و قطع وابستگی‌ها و

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۲، حدیث ۸۳۴.

دل بستگی‌ها باشد بر چیزی که خودش نشانه وابستگی و جلب توجه است سزاوار نیست و سجده بر زمین افضل است برای اینکه در تواضع در برابر خداوند رساتر و واضح‌تر است.

خصوصیت دوم:

دومین خصوصیت من لا یحضره الفقیه کتاب نوادر است که در آخر کتاب ذکر شده، نوادر مشتمل بر مواعظ و نصایح اخلاقی است که در جلسه گذشته هم به آن اشاره کردیم، حدود ۱۵۰ روایت اخلاقی در آن بخش ذکر شده البته در لابلای کتاب هم به مناسبت‌های مختلف روایات اخلاقی آورده شده.

خصوصیت سوم:

سومین خصوصیت ذکر آیات قرآن در صدر بعضی از ابواب است که مرتبط به آن باب می‌باشد که این خصوصیت در کتاب-های دیگر وجود ندارد.

خصوصیت چهارم:

چهارمین خصوصیت شرح حدیث است، گاهی از اوقات خود مرحوم صدوق حدیث را شرح داده‌اند مثلاً روایتی از امام صادق ذکر کرده‌اند که امام می‌فرمایند: «ایاکم و مخالطه السفله فانه لا یؤل الی خیر» از همنشینی و انس با انسان‌های پست پرهیز کنید، ذیل این روایت از قول شیخ صدوق آورده‌اند که: «قال مصنف هذا الکتاب (ره) جائت الاخبار فی معنی السفله علی وجوه» که شیخ صدوق ذیل روایت چندین معنا برای سفله ذکر می‌کند مثلاً یکی از معانی سفله این است که «لا بیالی ما قال و لا ما قیل له» یعنی سفله کسی است که نسبت به آنچه می‌گوید و برای او می‌گویند بی‌مبالا است، یا مثلاً گفته‌اند: «یضرب بالتنبور» و یا گفته‌اند: سفله کسی است که برای او فرقی نمی‌کند که به او احسان شده یا نه و اصلاً به احسان توجه نمی‌کند یعنی معنای احسان را درک نمی‌کند.

خصوصیت پنجم:

خصوصیت پنجم این است که شیخ صدوق در موارد زیادی فتاوی خود را هم نقل کرده، مجلسی اول در کتاب روضه المتقین که شرح من لا یحضره الفقیه و از جمله کامل‌ترین شروح من لا یحضره الفقیه است می‌گوید: شیخ صدوق در این کتاب حدود ۵۰۰ مورد از فتاوی خود را بدون اینکه مستند روایی آن را ذکر کند آورده است.^۱

خصوصیات سندی من لا یحضره الفقیه:

یکی از خصوصیات کتاب من لا یحضره الفقیه این است که با توجه به درخواست کسی که از شیخ صدوق خواسته بود کتابی را بنویسد که مورد استفاده عامه مردم باشد و رجوع‌کننده به آن کتاب از رجوع به فقیه بی‌نیاز باشد، اکثر روایاتی که در این کتاب ذکر شده بدون سند می‌باشد که یا مرحوم شیخ صدوق سند را مرسل آورده، یا معلق آورده، یا اصلاً کل سند را حذف کرده، نقل شده که فقط در سه مورد است که روایت به صورت مسند آمده یعنی از ابتدا تا انتهای سند به نحو کامل ذکر شده البته مرحوم شیخ صدوق وقتی دید این کتاب مورد استفاده علماء و دانشمندان هم قرار می‌گیرد در آخر کتاب بخش

۱. روضه المتقین، ج ۱۴، ص ۳۵۰.

مشيخه را هم اضافه کرد و سلسه و طرق اتصال خودش به راويان را در بخش مشيخه بيان کرده که به کمک آن می‌شود بخش زیادی از روایات را که در متن کتاب بدون سند ذکر شده مسند کرد، شیخ آقا بزرگ تهرانی از قول شیخ بهائی نقل می‌کند که: تعداد کل روایات من لایحضره الفقيه ۵۹۹۸ روایت می‌باشد که ۳۹۴۳ روایت مسند است و ۲۰۵۵ روایت مرسل است.^۱ بخش اعظم روایات توسط بخش مشيخه که در آخر کتاب آمده مسند شده و گرنه در متن کتاب فقط سه روایت مسند آمده و بقیه روایات مرسل یا بدون سند می‌باشد ولی با تمسک به بخش مشيخه، طرق شیخ صدوق به امام معصوم کشف می‌شود و روایات مسند می‌شوند. بعضی دیگر مثل مرحوم محدث بحرانی مجموع روایات کافی را ۵۹۶۳ ذکر کرده و می‌گوید: روایات مسندی که در کتاب من لایحضره الفقيه آمده ۳۹۱۳ روایت می‌باشد و ۲۰۵۰ روایت هم مرسل می‌باشد، از کلام شیخ بهائی و محدث بحرانی فهمیده می‌شود که دو سوم روایات من لایحضره الفقيه مسند و یک سوم روایات مرسل می‌باشند. بسیاری از بزرگان در مورد مرسلات شیخ صدوق گفته‌اند: مرسلات شیخ صدوق همانند مسانید شیخ است، که باید در جای خودش بحث شود که به چه ملاکی مرسلات شیخ را همانند مسانید می‌دانند، پس یکی از خصوصیات کتاب من لایحضره الفقيه حذف اسناد به طور کامل یا حذف بخشی از سند یا ذکر روایت به صورت مرسل یا معلق می‌باشد، خود مرحوم شیخ صدوق در مقدمه‌ی کتاب می‌گوید: «و صنفت له هذا الكتاب بحذف الأسانید لان لا تكثر طرقه».

شیوه‌های حذف سند:

الف) گاهی همه سند حذف می‌شود که به دو صورت انجام می‌شود: حذف همه سند گاهی همراه با ذکر نام معصوم است مثلاً شیخ صدوق می‌گوید: «قال ابو عبد الله (ع) کذا» و هیچ سندی را قبلش ذکر نمی‌کند، گاهی بعد از حذف سند حتی نام معصوم (ع) را هم نمی‌آورد و می‌گوید: «رؤی انه کذا» که نه نام امام را ذکر می‌کند و نه ماقبل امام را ذکر می‌کند.

ب) گاهی بخشی از سند حذف می‌شود که این هم به دو صورت است: گاهی بخشی از ابتدای سند حذف می‌شود مثلاً شیخ صدوق همه راویان قبل از راوی آخر را حذف می‌کند و می‌گوید: «رؤی محمد بن مسلم عن ابي جعفر (ع) کذا»، گاهی دو یا سه راوی از آخر سند را ذکر می‌کند و ماقبل را حذف می‌کند مثلاً می‌گوید: «رؤی الحسن بن محبوب عن علی بن رئاب عن زرارہ قال سألت ابا جعفر (ع)....»، پس یکی از خصوصیات مهم کتاب من لایحضره الفقيه حذف اسناد است.

بحث جلسه آینده: بحث از اعتبار روایات من لایحضره الفقيه که آیا همه روایت این کتاب معتبرند یا نه؟ و محدوده اعتبار روایات من لایحضره الفقيه را در جلسه آینده بحث خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۲۲، ص ۲۳۲.